



مجموعه اشعار

جواد شسوار (زاده)

www.ketab.ir

سرشناسه	شهباز، جواد، ۱۳۳۲ -
عنوان و پدیدآور	سایه دل / جواد شهباز (زاهد).
مشخصات نشر	استهبان، ستهبان، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	۱۳۰ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	978-600-5209-96-9 ۷۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیا :
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ س ۵ / PIR.۸۳۲۹
رده بندی دیویی	۸ / ۶۲ / ۱ فا
شماره کتابخانه ملی	۳۶۴۶۸۴۵ :



انتشارات ستهبان

Setahban

عنوان کتاب: سایه دل

نویسنده: جواد شهباز

چاپ: نخست: ۱۳۹۳ / قطع: رقعی / شمارگان: ۱۰۰۰ / تعداد صفحات: ۱۲۷

شماره نشر: ۱۱۶

طراحی و خوشنویسی روی جلد: علیرضا خاکپور

مشاور هنری: عباس اعتمادی

چاپ و صحافی: هنرکده نوید داراب، تلفن: ۰۷۱۵۳۵۶۴۰۰۴

ویراستار: جواد نمازی دارابی

ناشر: انتشارات سته بان / استان فارس، استهبان، خیابان میثم، پلاک ۱۰

کد پستی: ۳۳۳۶۴-۷۴۵۱۸ / صندوق پستی: ۱۱۷-۷۴۵۱۵

تلفن: ۰۷۱۵۳۲۲۸۶۳۳ - همراه: ۰۹۳۷۲۷۲۲۹۱۲

پست الکترونیک: Setahban.publication@gmail.com

پیشگفتار

ای آفریدگار همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها
با چه زبانی بیان کنم سپاسم را
با چه قلمی به رشته تحریر درآورم دست‌گیری تو را و
چگونه به جا آورم شکرانه نعمت بروز اندیشه درونیم را
بار پروردگارا...

هزاران و صد هزاران شکر که مرا توانایی نگاشتن سه باره
افکار درونیم را بر صفحه سفید کاغذ بخشیدی؛ هزاران و
صد هزاران سپاس که مرا یاری دادی تا اندیشه‌های خفته را
با قلمی فرسوده در قالب کتابی نو بنام «سایه دل» به
یاوران شعر و ادب تقدیم کنم.
تشکر و سپاس

شما دوستان و بزرگواران را سزااست که دست یاری طلبی
بنده حقیر را به گرمی گرفته و مرا همراهی کردید.

دوستان: جواد نمازی دارایی (ویراستار)

و علیرضا خاکپور (طراح جلد و خوشنویسی)

عباس اعتمادی (صفحه آرایی) و دیگر عزیزان.

چون گذشته به انتظار نشسته‌ام تا بار دیگر گرمای محبت
خویش را ارزانی دستان ناتوانم کرده و همچون گذشته از
سر لطف مرا مورد تفقد و مهر خویش قرار داده،
مهربانی‌های خود را از این ناقابل دریغ نورزیده و راهنمایی
پر مهر برای راه تازه آغاز کرده‌ام باشید.

ارادتمند

جواد شهسوار

خرداد ۹۳

مقدمه

شعر و ادبیات پدیده‌ای است که با همه‌ی افراد جامعه‌ی بشری سر و کار دارد و هر یک از این افراد بنا بر سطح فهم خود و انتظاری که از شعر دارد می‌تواند تعریفی برای آن داشته باشد و بنابر باطن و درونیات خود از هر شعر برداشتی به دست می‌دهد. بنابراین به طور قطعی نمی‌توان تعریف مشخصی برای شعر ارائه نمود. اما هر چقدر هم که تعریف شعر مشکل باشد خواننده در تشخیص و ممتاز نمودن آثار ادبی از غیر ادبی مشکلی ندارد، به عبارت دیگر هر خواننده‌ای تفاوت میان آثار ادبی از غیر آن را به خوبی تشخیص خواهد داد.

با وجود اینکه بیان تعریف دقیق و جامع از شعر ممکن نیست اما باید حداقل تصویر روشنی از شعر در پیش چشم داشته باشیم، از نظر بسیاری از صاحب نظران شعر عبارت است از پیوند تخیل و عاطفه که با زبان موزون بیان می‌شود. در این تعریف سه عنصر اساسی شعر خودنمایی می‌کند؛ عاطفه، تخیل و وزن.

علاوه بر این شعر از نظر قالب نیز تفاوت‌هایی با نثر دارد. منظور از قالب شعر، شکل آرایش مصرع‌ها و نظم قرار گرفتن قافیه در آن است. البته شعر در معنای کلی خود در قالب خاصی نمی‌گنجد، اما شاعران به مرور زمان و با توجه به سلیق خوانندگان خود شکل‌هایی خاص را در مصرع بندی و قافیه‌آرایی شعر به رسمیت شناخته‌اند. بدین ترتیب

چند قالب خاص در شعر پدید آمد که شاعران گذشته ی ما از محدوده ی این قالب ها یا فراتر نگذاشته اند و اگر دست به ابتکاری هم می زدند در محدوده ی همین قوانین مشخص بود. در قالب های کهن، شعر از تعدادی مصرع هم وزن تشکیل می شود موسیقی کناری نیز همواره وجود دارد و تابع نظم مشخصی است که این نظم قالب شعر را مشخص می نماید.

تا حدود یک قرن پیش شاعران ما این دو اصل کلی یعنی اصل تساوی وزن مصرع های شعر و نظم ثابت قافیه را در اشعار خود رعایت کرده اند. از ابتدای قرن حاضر شاعرانی به این فکر افتادند که آن دو اصل کلی را کنار بگذارند و از محدوده ی این قواعد و قوانین فراتر بروند. شعری که به این ترتیب سروده شد شکلی بسیار متفاوت با اشعار سنتی داشت. در شعر نو، شاعر خود را در بند تساوی وزنی مصرع ها و نظم قوافی نمی بیند طول مصرع، تابع طول جمله و جای قافیه، نیز تابع کلام شاعر است. باری نظام وزن و قافیه در قالب های سنتی را نمی توان به عنوان مانعی برای سرودن شعر قلمداد نمود در عین حال منکر این نکته هم نمی توان بود که وزن و قافیه در مواردی تنگناهایی هم ایجاد می کند. در شعر سنتی رعایت وزن و قافیه حرف اول را می زند و دست شاعر برای سرایش چندان باز نیست و چه بسا شاعر برای رعایت وزن و قافیه و ردیف مجبور به تغییراتی می شد که مطابق میل و خواسته ی او نبود در میان

اشعار بعضی از شاعران سنتی گلایه‌هایی از پابندی به وزن و قافیه به چشم می‌خورد. پس طبیعی است که شاعری برای رهایی از این تنگناها نظام وزن و قافیه را بشکند تا به آزادی عمل بیشتری در عناصر خیال و زبان دست یابد.

در نگاه اول مصرع‌های شعر نو بصورت منظم و از یک قاعده و قانون پیروی نمی‌کنند و قافیه نیز در جایگاه مشخصی نمی‌آید. شعر نو گرچه وزن و قافیه را در هم شکست اما موسیقی و آهنگ شعری تا حدی حفظ شد. شعر نو با اینگونه تغییرات از مرزبندی‌های شعر سنتی عبور کرد و با این تغییرات قابلیت‌های زبان فارسی بیش از پیش آشکار شد. پهنای آسمان شعر فارسی بقدری فراخ و گسترده است که قطعاً در قرون آینده نیز فضای گسترده تری توسط شاعران پارسی زبان ساخته و پرداخته خواهد شد و این هنر و شاهکار زبان فارسی است که این گونه تحول می‌یابد. و با توجه به نیازهای شعری انعطاف می‌یابد.

آزینا طاهری

کارشناس ارشد ادبیات فارسی